

ترجمه و پی نوشت: ا.م. شیری

جنگ در سوریه و دلار

<http://politikus.ru/articles/6491-voyna-v-sirii-i-dollar.html>

۲ میزان ۱۳۹۲

ابتکار روسیه برای قرار دادن تسلیحات شیمیائی سوریه تحت کنترل بین المللی، برنامه آمریکا برای تجاوز نظامی به سوریه را بشدت تحت تأثیر قرار داد. در عین حال، باید اذعان کرد، که این موفقیت دیپلماتیک صرفنظر از اینکه آمریکا از برنامه خود امتناع نکرده است، اما حداقل موجب آرامش موقت در خاورمیانه و همه جهان گردید.

از یک طرف، در حال حاضر افکار عمومی بیش از هر موضوعی روی مخالفت قاطع با هجوم آمریکا متمرکز شده است. در همین رابطه لازم به گفتن است: **آ- موضع جامعه آمریکا**، بطوریکه آخرین نظرخواهی اجتماعی نشان میدهد، بیش از ۷۰ درصد مردم با دعوت باراک اوباما به اقدام نظامی مخالف هستند؛ **ب- افکار عمومی جهانی**، طرح روسیه را بعنوان راه خروج از بن بست سیاسی ارزیابی نموده و از «بازی» آمریکائیه با «آتش» در منطقه ای که به «بشکه باروت» جهان مشهور است، در شگفت هستند. علاوه بر اینها، حمایت دبیر کل سازمان ملل متحد، بان کی مون از ابتکار روسیه را نمیتوان نادیده گرفت.

از طرف دیگر، دولت آمریکا تمایل شدیدی به شروع جنگ دارد. اما در این راه، آمریکا باید منتظر موانع و مشکلات بسیار جدی باشد. همانطور که اکنون بوضوح معلوم شده است، حمله شیمیائی اخیر در نزدیکی دمشق نه از سوی ارتش سوریه، بلکه از طرف مخالفان آن انجام گرفته است. باندهای در حال جنگ در سوریه در موارد دیگر نیز سلاح شیمیائی بکار برده اند (در این باره در گزارش ۱۰۰ صفحه ای تقدیمی روسیه به سازمان ملل متحد در باره حمله شیمیائی به خان العسل در شمال سوریه در ۱۹ مارس، و همچنین، در بیانیه ماه مه **کارله دل پونته**، رئیس کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد در مورد کاربرد سلاح شیمیائی زارین در سوریه مبنی بر استفاده شورشیان از سلاح شیمیائی گفته میشود). بصراف اینها، دلایلی برای نگرانی از تکرار تحریکات وجود دارد. هدف از تحریکات این بود و هست، که آنها بدست آمریکا، فرانسه و دیگر اعضای ائتلاف ضد سوری، دارندگان ذخایر عظیم تسلیحات شیمیائی بهانه

میدهند تا دمشق را زیر فشار تهدید به حمله حتمی و تحت پوشش «مبارزه با تروریسم» به خلع سلاح یکجانبه وادار نمایند.

با این وجود، سوریه برای دفع حمله، علاوه بر سلاح شیمیایی یکسری امکانات دیگر هم در اختیار دارد.

یکی از این امکانات، آمادگی نیروهای ویژه سوریه برای انجام عملیات در خاک آمریکاست، که میتوانند عواقب بیش از حد انتظار در پی داشته باشند. بنا به اظهارات سخنگوی وزارت دفاع سوریه، اکنون چندین صد تن از اعضای نیروهای ویژه سوریه، «الوعدة القسام»، چه بصورت قانونی و چه بطور غیرقانونی در خاک ایالات متحده آمریکا حضور دارند. دسته های رزمی ۳-۷ نفره با تمام لوازم تجهیز شده اند و در صورت حمله آمریکا به سوریه، موظف به انجام عملیات خرابکاری هستند. مؤسسات اداری و زیرساختی، پایانه های نفت و گاز، تأسیسات نظامی، شامل پایگاههای هوایی و دریایی از جمله هدفهای تعیین شده برای عملیات هستند. بگفته همین منبع، رهبری سوریه با مطالعه جنگ یوگسلاوی، عراق، لیبی، که در آنها رویکرد دفاعی صرفا برای دفع تجاوز از پیش در معرض حمله قرار گرفته و محکوم به شکست شده بود، چنین تصمیمی را اتخاذ کرد.

با این وجود، برای نیروهای ویژه سوریه که از عملیات در خاک اسرائیل، لبنان و خود سوریه تجارب غنی اندوخته اند، نبرد در خاک آمریکا بمنظور وارد آوردن خسارات قابل ملاحظه لزومی ندارد. زیرا، با پشتیبانی نیروهای ویژه ایران، کارایی عملیات خرابکاری بلحاظ ابعاد، تعداد، و میزان آسیبهای اقتصادی- نظامی بالقوه به تجاوز آمریکائی، به منافع اقتصادی آمریکا در اسرائیل، ترکیه، عربستان سعودی و غیره، میتواند بمراتب افزایش یابد.

عربستان سعودی هم بعنوان یکی از طرفداران سرسخت جنگ، از شورش جامعه شیعه ۱۵ درصدی جمعیت کشور، که طرفدار ایران میباشد (باضافه پشتیبانی همکیشان آنها در عراق، بحرین و دارای بزرگترین جامعه در لبنان)، بحق از سالها پیش در هراس بسر میبرد. بخش اصلی شیعیان عربستان سعودی در استان شرقی الاحساء واقع در ساحل خلیج فارس متمرکز هستند. این استان بعلت موقعیت جغرافیائی خود و بعنوان مخزن عمده نفت غربستان از اهمیت استراتژیک برای ریاض برخوردار است.

مصر علیرغم اینکه در آتش مناقشه بین حاکمیت جدید و اسلامگرایان مورد حمایت آنکارا میسوزد، بمثابه یک عامل بازدارنده خودویژه برعلیه تجاوز به سوریه عمل میکند. تجاوز نظامی آمریکا به سوریه هر لحظه ممکن است کشور مصر به ورطه جنگ داخلی بکشاند، که اولین

پیامد آن بسته شدن کانال سوئز برای عبور کشتیهای نفتکش خواهد بود. خود این نیز مسئله جستجوی راههای دیگر حمل نفت را فعلیت می بخشد، لازم به توجه است که راه کمربندی شاخ آفریقا زمان تحویل نفت را دو هفته به تأخیر می اندازد، و راه دریائی شمالی روسیه، اگر چه کوتاه ترین راه دریائی بحساب می آید و قادر است قطبهای صنعتی جهان (اروپای غربی، آمریکای شمالی و آسیای جنوب شرقی) را بهم منصل سازد، اما هنوز برای انجام چنین وظیفه ای آماده نیست.

مشکلات اقتصادی، که در صورت حمله نظامی به سوریه پیش می آید، نه تنها با افزایش گریزناپذیر بهای سوخت، بلکه، با نزدیک شدن پایان دلار بعنوان ذخیره ارزی جهان بستگی خواهد داشت. در نیمه اول سال ۲۰۱۳ نه فقط ایران و استرالیا، حتی پنج کشور از ده اقتصاد پیشرفته جهان، از جمله چین، ژاپن، هند و روسیه از استفاده از دلار در تسویه حسابهای تجارت خارجی امتناع کردند.

مسکو و پکن، که به ترتیب در زمینه صادرات و واردات نفت در موقعیت اول جهانی قرار گرفته اند، قادرند تصمیم خود را دایر بر امتناع کامل از خرید و فروش نفت با دلار هر لحظه اعلام نمایند. بزرگترین خطر برای آمریکا درست در همین نکته نهفته است. به همین دلیل، تلاشها برای دامن زدن به آتش جنگ علیه سوریه از منظر به تعویق انداختن شکست دلار بعمل می آید. مصادف شدن تشدید اوضاع پیرامون سوریه و موکول کردن مذاکرات در مورد خطر شکست دلار آمریکا از ماه فوریه به پائیز سال جاری بی دلیل نبود. واشنگتن نگران دمکراسی در سوریه نیست، بلکه، مسئله با سقف بدهی های دولتی، از نقطه نظر چشم انداز حیاتی تحول خود ایالات متحده آمریکا به «دولت شکست خورده» ارتباط دارد...

پی نوشت مترجم:

هر کسی که تصور کند: اگر ولیعهد اطریش - مجار در روی پل موستار در سارایوو ترور نمی شد، آتش جنگ جهانی اول شعله نمیکشید و یا اینکه بر این باور باشد، اگر فاشیسم سرمایه داری در آلمان، ایتالیا، ژاپن در دهه ۱۹۳۰ بقدرت نمیرسید، جنگ ویرانگر جهانی دوم اتفاق نمی افتاد، در خوشبینانه ترین حالت، نه درکی از هیچیک از نظامهای اجتماعی - اقتصادی، بویژه، نظام سرمایه داری دارد و نه از علم سیاست. اگر فاشیسم قرن بیستم بدنبال بحران دهه ۳۰ سرمایه داری زاده شد، فاشیسم سده بیست و یکم در اثر شروع بحران پوشیده، با حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ واشنگتن و نیویورک تولد خود را تحت عنوان «جنگ با تروریسم» اعلام کرد.

«جنگها نتیجه بحرانند و ادامه سیاست!» همه جنگها هم سفارش دهنده دارند و هم مجری. بی شک، ترور ولیعهد اطیش - مجار هم سفارش دهنده داشت و هم مجری. فاشیسم قرن بیستم نیز زاده بحران بود و هر دو جنگ عالمگیر هم نتیجه آن. جنگهای سده بیست و یکم، از جمله، جنگ سفارشی کنونی در سوریه نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست.

در طول بیش از دو سال و نیم که از شروع جنگ استعماری- تروریستی غرب امپریالیستی علیه سوریه میگذرد، مقامات رسمی امپریالیسم جهانی و ناتوی رسانه ای وابسته به آنها سعی میکنند چهره کاملا دیگری از این جنگ ویران گرانه ارائه دهند و آن را بنامهای دیگری غیر از نام واقعی آن بنامند: «جنگ داخلی»، «جنگ بین پیروان ادیان و مذاهب مختلف»، «جنگ بین ملت‌های بومی کشور» و در نهایت، «بحران سوریه»! هدف از همه اینها روشن است: سفارش دهنده در محاق بماند و مجری، شرارت خود را در زورق بهانه های «مشعشع»: «دمکراسی»، «حقوق بشر»، «بمبارانهای انساندوستانه» و امثالهم بیچاند.

جنگ کنونی امپریالیسم علیه مردم، دولت و کشور مستقل سوریه اگر دیروز یک راز پنهان بود، امروز برملا و آشکار شده است، که از سالها پیش، از زمانیکه جرج بوش در سال ۲۰۰۱ هفت کشور، از جمله آنها، جمهوری عربی سوریه را «محور شرارت و حامی تروریسم» اعلام کرد، برنامه ریزی شده بود و ربطی به مسائل و مشکلات داخلی سوریه ندارد.

هم اکنون بیش از پنج سال از ۱۵ سپتامبر سال ۲۰۰۸، تاریخ رسماً اعلام شده شروع بحران ساختاری نظام سرمایه داری جهانی میگذرد. جنگهای پیش از این تاریخ (از میان آنها، جنگ علیه یوگسلاوی، افغانستان، عراق)، نه تنها نتوانستند نظام سرمایه داری را از سقوط به ورطه بحران مالی- اقتصادی ساختاری بازدارند، حتی باعث تعمیق و گسترش بحران نیز شدند.

اگر ریشه و منشاء جنگها در نکته فوق جستجو شود، بی شک، سفارش دهنده و مجری آنها نیز معلوم و مشخص میگردند. سفارش دهنده جنگها: دولت مخفی سرمایه مالی و صنعتی حاکم بر جهان (مافیای دلار، طلا، مواد مخدر و صنایع جنگی) و مجری آنها: دولت‌های امپریالیستی خدمتگزار سفارش دهندگان! منتها، مجری جنگ این بار با بهره گیری از رسوائی های خود از جمله، در افغانستان و عراق، قصد دارد بمبها و موشکهای تولید کنندگان مرگ را با پول نفت و گاز قطر، عربستان سعودی، کویت و... بر سر مردم سوریه بریزد. یعنی، بگفته باراک اوباما، هزینه بمباران سوریه را قطر و عربستان تقبل کرده اند.

اینکه رئیس جمهور آمریکا از همان ابتدای شروع جنگ علیه سوریه، کاربرد سلاح شیمیائی را «خط قرمز آمریکا» اعلام کرد و اینکه در ۱۹ ماه مارس در خان العسل و در ۲۱ ماه اوت سال

جاری در حومه دمشق، در غوطه از سلاح شیمیائی استفاده شد، طبیعتاً تحریکاتی بود برای مستدل ساختن جنگ طلبی اوباما و خلع سلاح سوریه بمنظور برداشتن گام بعدی: **ادامه جنگ و نجات دلار!** چنین تحریکاتی را بر علیه لیبی نیز بعمل آوردند تا اینکه دولت این کشور مجبور شد تمام تجهیزات هسته ای خود را در سال ۲۰۰۵ بار یک کشتی نموده و به آمریکا تحویل دهد و راه حمله سال ۲۰۰۱ القاعده و ناتو به کشور را و بازگشت آن به عصر پارینه سنگی را هموار نماید.

بنا بر اینها، هیچ دلیلی برای خوشبینی وجود ندارد که غرب برنامه حمله خود به سوریه را کنار گذاشته است. چون از یک سو، نظام سرمایه داری در باتلاق بحران دست و پا می زند و از طرف دیگر، هم سرنوشت دلار در میان است و هم انبارهای صنایع نظامی باید خالی شوند. و البته، این پایان کار نیست.